

چالش‌ها و چشم‌انداز روابط ایران و عربستان

با سخنرانی محمدعلی سبحانی*

اشاره:

روابط ایران و عربستان همواره یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار در مناسبات منطقه‌ای بوده است. از این رو چالش‌های موجود بدون تردید بر امنیت ملی ما تأثیرگذار خواهد بود. از این رو باید ابعاد این مسئله مورد بررسی قرار گیرد تا از سویی مسائلی که منجر به چنین چالش و تنش در روابط طرفین شده است و نیز راه‌های ایران برای برون‌رفت از چنین وضعیتی از سوی دیگر تبیین شود. پژوهشکده مطالعات راهبردی در نشستی با حضور آقای محمدعلی سبحانی سفیر سابق ایران در لبنان و کارشناس مسائل خاورمیانه، چشم‌انداز این روابط را مورد بررسی قرار داده است. متن حاضر خلاصه‌ای ویرایش‌شده از این نشست است.

مقدمه

عربستان پس از انقلاب اسلامی هیچگاه با ایران رابطه خوبی نداشت. پس از انقلاب، سعودی‌ها که هم تحت تأثیر معادلات بین‌المللی و خصوصاً آمریکایی‌ها بودند به سرعت وضعیتشان تغییر یافت و موقعیت خود را ارتقا دادند و احساس کردند که قدرت تعیین‌کننده منطقه آنها هستند. لذا مناقشاتی به وجود آمد ضمن اینکه در ارتباط با مشکلات گفتمانی با عربستان مشکل جدی داشتیم تا جایی که به جنگ و درگیری و قطع رابطه انجامید. اگرچه با امضاء قرارداد امنیتی، بحران‌های بین دو طرف به شکل جدی کنترل شد. اما

چرا این وضعیت جای خود را به یک رابطه تنش‌آلودتر و نگرانی عمیق‌تری داد، مسائل مختلفی دخیل بوده‌اند. مبدأ این مسائل سقوط صدام است، به‌رغم اینکه کشورهای حاشیه خلیج فارس در قضیه کویت با صدام بسیار مشکل داشتند و در نهایت نیز از سقوط صدام حمایت کردند، اما سقوط صدام معادله جدیدی را در عراق ایجاد کرد، عراقی که عرب بود و حاکمیت آن ده‌ها سال در اختیار عرب‌های سنی قرار داشت به ناگه عنصر کردی و شیعی در آن قدرت گرفته بودند که عرب‌ها آن را یک تهدید ارزیابی می‌کردند. ضمن اینکه با ورود عنصر شیعه، حضور ایران در عراق



تقویت شد. با ورود این دو عنصر به معادله، دیگر عراق عرب گذشته وجود نداشت و پس از سقوط صدام تحولات دولت‌سازی به صورت بسیار محدود در عراق پیشرفت کرد. تقریباً بخش اصلی این دولت در اختیار شیعیان بود و قدرت دوم آن نیز کردها بودند و عرب‌های سنی که در جایگاه نخست بودند، به حاشیه رفته و به تدریج خود را شکست خورده ارزیابی کردند. امروز هیچ‌گونه گرایشی در میان اهل سنت عراق به دولت شیعه - کردی عراق وجود ندارد و یک دیوار بی‌اعتمادی بسیار عمیقی به وجود آمده است. در یک جمله باید گفت که سنی‌ها در عراق و در کل منطقه عربی احساسشان نسبت به تحولات عراق بدین گونه است که مطرح شد؛ به عبارتی میان آنها و دولت عراق ارتباطی وجود ندارد و به تبع آن در رابطه با ایران شکافی به وجود آمده که به عنوان عمق استراتژی سنی‌ها مطرح است.

دومین مسئله، مسئله بحرین است. یکی از ویژگی‌های بحرین، این است که میان ایران و عربستان در مدیریت آن رقابتی از مدت‌ها پیش به وجود آمده که در قضایای بهار عرب تشدید و از کنترل خارج شد. اگرچه سیاست ایران در این کشور با دولت این کشور همسو بود، اما بحرینی‌ها به ایران اعتماد نداشتند. وقتی بحرینی‌های مخالف و دولت خطاهای بزرگی انجام دادند و روبروی هم قرار گرفتند به گونه‌ای که امکان مصالحه نبود، عربستان در شرایط خاصی بحرین را اشغال کرد و برای نیروهای امنیتی بحرین فرصتی فراهم شد تا به سرکوبی مردم پردازند و ماجرا را خاتمه دهند، اما این مسئله علاوه بر موضوع بحرین به مشکلات میان ایران و عربستان افزوده شد.

مسئله بعدی سوریه است؛ ایران و عربستان با یکدیگر در سوریه جدی‌ترین جنگ را انجام می‌دهند. چهارمین مسئله یمن است. عربستان به هیچ وجه حاضر نیست در قضیه یمن کوتاه بیاید در حالی که یمنی‌ها

چندان با ما نمی‌توانند همراهی کنند، چون آنها در نگاه زیدیه قیام به سیف کردند و هر کس قیام به سیف کند، باقی مسلمان‌ها باید از او حمایت کنند، لذا آنها مدعی هستند که این وظیفه شماست که از ما حمایت کنید. عربستان یمن را حیات و ممت خود می‌داند و بارها به ما گفته است که اگر می‌خواهید به شیعه‌ها کمک کنید ما مشکلی نداریم اما اینجا حوزه امنیتی ماست. عربستان با جنایتی که در یمن کرد، دچار مشکل جدی شده است و نمی‌تواند در یمن شرایط گذشته را داشته باشد.

لبنان نیز تحت تأثیر سوریه گرفتاری خود را بین ایران و عربستان نشان داده است و اگر ایران و عربستان بتوانند با هم تفاهم کنند امکان تشکیل یک دولت ملی در لبنان به وجود می‌آید.

مسئله انرژی یکی دیگر از موارد تنش‌زا میان ایران و عربستان است. بحث انرژی برای عربستان یک بحث بسیار تاریخی است که کنترل قیمت نفت در اختیار او باشد و برای اینکه ایران را به زانو در بیاورد چنین مشکلاتی را ایجاد می‌کند. هرچند آمریکایی‌ها نیم میلیون بشکه وارد بازار کرده‌اند و این خود مزید بر علت است، ولی نبض این جریان در دست سعودی‌ها است. این هم یک مشکل جدی است که فضا را بین ایران و سعودی بسیار منفی کرده است.

مسئله دیگر که بسیار مهم است مسئله هسته‌ای است. عربستان سعودی از همان دوره کارتر به این طرف توانست نفس بکشد و توانست جایی برای خودش دست و پا کند. نبض سیاست خاورمیانه را عربستان تنظیم می‌کرد و هر اتفاقی که در این سال‌ها در منطقه می‌افتاد، از قضایای فلسطین گرفته تا سایر اتفاقات منطقه، عربستان آنها را مدیریت می‌کرد؛ حال چنین قدرتی هرچند که با آمریکایی‌ها اختلاف دارند و در نزد افکار عمومی غرب و آمریکا به دلایلی منفور است؛ مخصوصاً پس از ۱۱ سپتامبر هر روز که



می‌گذرد روشن می‌شود که این نهاد دیکتاتوری، عقب‌افتاده، وهابی است که مانع وجود آگاهی، دموکراسی و توسعه در این کشور شده است. کشوری که قانون اساسی و مجلس ندارد و صرفاً به دلیل داشتن شرایط خاص نفتی و پولی و وجود حرمین شریفین است که توانسته از آنها استفاده ابزاری کند و با دادن سهم غربی‌ها به حیات خود ادامه دهد، با آمریکا وارد اختلاف شده است. این اختلافات به وجود آمده در ذهنشان یک فاجعه ایجاد کرده است. برجام نه فقط ایران را از جنگ نجات داد بلکه یک مدل ایرانی را در تعامل با بحران‌های منطقه‌ای به وجود آورد و در اختیار منطقه و دنیا قرار داد که اجرای آن ایران را در سطح متفاوتی قرار خواهد داد. این مسئله برای عربستان یک خواب آشفته است. اگر دقت کرده باشید عربستان بیشتر از اسرائیل علیه برجام کار کرد. سعودی‌ها با ایران در این خصوص بسیار مشکل دارند، هرچقدر سعی کرده‌ایم از نگرانی آنها کم کنیم اما موفقیتی حاصل نشده است.

مسئله بعد شیعه و سنی است. عربستان تلاش دارد شیعه‌گرایی ایران را به حساسیت کشورهای عربی تبدیل کند. به عنوان نمونه آقای زکزاکی در جلسه‌ای از رابطه خوب خود با دولت نیجریه گزارش داد، ولی عربستان بالاخره توانست با امکانات، تهدید، تطمیع و اطلاعات نادرست، شرایط را به نفع خود بچرخاند. این مسئله یکی دیگر از دلایل افزایش شکاف‌ها و تبدیل رابطه ایران و عربستان به یک بحران است.

مسائل دوجانبه یکی دیگر از عوامل تنش‌زا در روابط طرفین است که در بحث حج و قتل عام منا و سایر موارد در جریان بوده است.

بشر مطرح کرده و تقاضای اخراجش را از کمیته حقوق بشر بدهیم و یا تقاضای قطع‌نامه بدهیم و با کشورهای شیعه منطقه در این خصوص صحبت کنیم و آنها را از اینکه عربستان در حال ایجاد حساسیت فرقه‌ای است، آگاه سازیم. اما پس از اتفاق سفارت عربستان در واقع بشکه باروت به یک انبار باروت تبدیل شد و سعودی‌ها به خوبی از آن بهره بردند. این در حالی بود که هیچ زمینه‌ای وجود نداشت برای اینکه عربستان سعودی بتواند بر کشورهای حاشیه خلیج فارس تأثیر بگذارد، بلکه عکسش صادق بود. به طوری که چند ماه پیش قطر در همین جلسه شورای همکاری تقاضا کرد که به منظور ارتقای امنیت و بازار منطقه بیایم به ۱+۶ تبدیل شویم؛ یعنی ایران را نیز وارد ترکیب خود کنیم تا از آن حالت تخاصم خارج شود، اما امروز بحث قطع روابط را می‌شنویم. هرچند عربستان بسیار تندروی کرد اما ما باید هوشیارانه عمل کنیم. عربستان و ایران نخست باید هر دو قدرت منطقه‌ای خود را بپذیرند و سپس برای حل مشکلات با یکدیگر گفتگو کنند. عربستان در یمن و سوریه و ایران نیز در عراق و سوریه درگیر است. از این رو بعید است که بخواهند به شکل مستقیم درگیری‌ها بیشتری را ایجاد کنند، خصوصاً که آمریکایی‌ها در مواضع رسمی‌شان و غربی‌ها در مواضع غیر رسمی‌شان با سعودی‌ها اجازه چنین بازی‌هایی را نخواهند داد. هرچند سعودی‌ها وضعیتشان به گونه‌ای است که نخواهند اجازه بگیرند، چون در یمن بسیار تحقیر شدند و در مسائل دیگر نیز به شدت دچار مشکل هستند. البته هیچ‌گاه نمی‌توان احتمالات را در به وجود آمدن فاجعه نادیده گرفت.

نقد و نظر

○ گفت‌وگو یک راه‌حل کلی است که به همه کشورها می‌توانیم پیشنهاد بدهیم و گفتگو صورت بگیرد، ولی در سطح و میدان عمل از کجا و چه کسی

چشم‌انداز روابط ایران و عربستان

اگرچه اعدام شیخ نمر می‌توانست فرصتی برای فشار بر عربستان باشد و نیز می‌توانستیم این مسئله را در حقوق



○ با توجه به مشکلات داخلی ایران و عربستان، به نظر می‌آید تعمیق این بحران‌ها قدری عمده‌ی باشد.

● **آقای سبحانی:** کشورهای که در درون با مشکل مواجه هستند، به نوعی از بحران به خارج پناه می‌آورند. اگرچه همه کشور بدون استثناء مخالفینشان را متهم می‌کنند که از خارج تغذیه می‌شوند، اما در مجموع این سخن کاملاً درستی است و به نظر استثناء ندارد، منتهی در هر کشوری با توجه به شرایطشان متفاوت با قضیه برخورد می‌کنند.

و با چه دستور کاری شروع کنیم، اهمیت دارد.

● **آقای سبحانی:** درست است اما می‌توان سیاست وحدت امام خمینی (ره) که تا پایان ادامه داشت را الگو قرار داد. در قسمت سیاسی زندگی امام (ره) مخصوصاً آنجایی که حکومت در اختیارشان است موردی وجود ندارد که حساسیت برانگیز باشد، بنابراین می‌توان موارد حساسیت‌زا را به نفع وحدت جهان اسلام کاهش داد و از آنها گذشت نمود.

○ عربستان خود را در نظم جدیدی که در منطقه احساس می‌کند در حال شکل‌گیری است، متضرر می‌بیند. بحث تأثیرگذاری قیمت نفت نیز از دست عربستان خارج شده است. آیا با توجه به تحولات اخیر و حذف توجه ایالات متحده به خاورمیانه و به نوعی واگذاری این منطقه و بحث برجام که نقش ایران را بیشتر می‌کند، نقش عربستان به سمت افول و تأثیرگذاری کمتری در منطقه می‌رود؟

● **آقای سبحانی:** اینکه چرا نقش عربستان رو به افول است نگرش من اندکی با شما متفاوت بود، معتقدم صرف رفتن آمریکا به سمت آسیا نیست، من با این نظریه که طرفدارانی در وزارت خارجه دارد چندان موافق نیستم و اینکه آمریکا متعهد حفظ امنیت اسرائیل است؛ به هر حال منابع انرژی در این منطقه است که برای توسعه و آینده نظام بین‌الملل مهم است، البته آمریکا به سمت انرژی‌های مختلف رفته و از جانب چین و هند و توسعه آسیایی احساس خطر می‌کند و به نظر من راه حل آن این نیست که از خاورمیانه برود. هدف آمریکایی‌ها سرمایه‌گذاری در این کشورها است تا بخش عمده ثروتی که در آنجا تولید می‌شود، سهم آمریکایی‌ها باشد که مطابق پیش‌بینی سال ۲۰۵۰ با تغییر در اقتصادهای دنیا (مثلاً چین اول شد)، همچنان آمریکا اقتصاد اول باشد. غیر از این راه دیگری وجود ندارند راه آن این نیست که از خاورمیانه بروند، آنها خاورمیانه را رها نخواهند کرد.

